

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: خوزه ارنستو نوانز گوئرو
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: علی مشرف
۱۲ می ۲۰۲۵

بورکینافاسو: انقلاب خاموش



در منطقه ساحل افریقا، انقلابی در حال شکل‌گیری است که در رسانه‌های بزرگ شرکتی کمتر به آن پرداخته می‌شود. در سرزمینی که از دیرباز زیر سلطه استعمار و نواستعمار فرانسه بوده، نظامیان سه کشور نیجر، مالی و بورکینافاسو زمام امور را به دست گرفته‌اند.

خلاف دیگر حکومت‌های نظامی که بارها در قاره افریقا سر برآورده‌اند و اغلب با حمایت و پشتیبانی مالی قدرت‌های غربی به قدرت رسیده‌اند، دولت‌های این کشورها رویکردی مبتنی بر بازسازی ملی، استرداد دارایی‌های دولتی (که غالباً در اختیار بخش خصوصی غربی بوده) و دفاع از حاکمیت ملی و حقوق مردمشان را برگزیده‌اند. به‌ویژه، وضعیت بورکینافاسو بسیار قابل توجه است. از دهم ماه میزان (مهرماه) ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲)، پس از کودتا علیه رئیس جمهور موقت، پل-هنری ساندائوگو، کاپیتان جوان، ابراهیم ترانوره، سکان رهبری این کشور را در دست گرفته است. ترانوره از جمله افسران متعددی است که در کارزار مبارزه با جهادگرانی در شمال کشور آموزش دیده و عمیقاً از فساد فراگیر و کمبود تجهیزات کارآمد برای یگان‌های درگیر با تروریست‌ها، سرخورده بود.

ترانوره خود را به عنوان رهبری با گرایش آشکار پان‌افریقائی نمایان ساخته است، که بشدت از الگوی رهبر انقلابی سترگ بورکینافاسو، توماس سانکارا، الهام گرفته است. سانکارا در دهه هشتاد میلادی برنامه بلند پروازانه‌ای برای تحول اقتصادی و اجتماعی در کشورش پیگیری کرد، اما تلاش‌هایش در سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) با ترور او که با تحریک و تأمین مالی فرانسه صورت گرفت، ناکام ماند. سانکارا در طول چهار سال ریاست جمهوری‌اش، روابط نزدیکی با کوبا برقرار کرد و حتی کمیته‌های دفاع از انقلاب را در کشور تأسیس نمود که از تجربه کوبا الگوبرداری شده بود. او همچنین کارزارهای واکسیناسیون گسترده‌ای علیه بیماری‌های فلج اطفال، مننژیت، تب زرد و سرخک به راه انداخت.

او همچنین سوادآموزی را ترویج داد، گام‌های مهمی در جهت به رسمیت شناختن برابری جنسیتی برداشت و یک برنامه قاطع پان‌افریقائی و ضدامپریالیستی را دنبال کرد.

تصادفی نیست که هم سانکارا و هم ترائوره از بدنه ارتش برخاسته‌اند. این وضعیتی رایج در بسیاری از کشورهای افریقائی و دیگر نقاط جهان است. در جوامعی که بشدت تحت تأثیر فقر و بی‌توجهی دولت‌ها قرار دارند و فرصت‌های اندکی برای دسترسی به آموزش و فرهنگ وجود دارد، زندگی نظامی اغلب به یکی از معدود گزینه‌های ایجاد یک آینده باثبات بدل می‌شود. در درون این نهاد، نه تنها فرصت‌های آموزشی فراهم می‌گردد، بلکه به دلیل این که ابزار سلطه طبقاتی است، ساختار سلطه جامعه نیز به شکلی آشکارتر رخ می‌نماید.

نظامی از میان مردم برمی‌خیزد، اما بارها ناگزیر می‌شود در دفاع از منافع سرمایه خارجی یا داخلی با همین مردم رویارو شود و هرچه کشوری فقیرتر و فاسدتر باشد، نظامی بیشتر بی‌اعتنائی و تحقیر فرماندهان و نخبگانی را که به آن‌ها امر می‌کنند، با تمام وجود حس می‌کند. این یک کانون بالقوه برای واکنش‌های واپس‌گرایانه است، و از همین روست که شاهد فزونی نظامیان کودتاجی و فرصت‌طلب هستیم، اما همچنین فضائی است که در درون بخشی از آن، یک برداشت انقلابی از جامعه و کشورشان می‌تواند شکل بگیرد و بالنده شود.

ظهور دوباره الگوی سانکارا در عملکرد کنونی رئیس جمهور ترائوره، گواه پویائی ایده‌هاست، حتی زمانی که به آن‌ها خیانت می‌شود و قصد نابودی‌شان را دارند. و امروز، همانند چهل سال پیش، دشواریهای پیشبرد یک پروژه مستقل و عدالت اجتماعی در افریقا، در برابر قدرت‌های استعماری کهنه، بسیار سترگ است. ترائوره تاکنون با چندین تلاش برای کودتا و تهدیدهای مداخله خارجی مواجه شده است. جهادگرانی، که به احتمال زیاد از بیرون تحریک می‌شود، خصومت‌ها علیه دولت را افزایش داده است، که وضعیت امنیتی کشور را که پیش از این نیز بسیار پیچیده بوده، پیچیده‌تر می‌سازد.

با وجود این، ترائوره در طول سه سال زمامداری‌اش، گام‌های ملموسی برداشته است که بر کیفیت زندگی مردم بورکینافاسو تأثیر می‌گذارد و پیامدهای مهمی برای آینده آن‌ها دارد. در عرصه اقتصادی، تولید ناخالص داخلی کشور بین سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴ رشد داشته و از حدود ۱۸.۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ به ۲۲.۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ رسیده است.

دولت بورکینافاسو وام‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را رد کرده و آشکارا روابط وابستگی مالی با اروپا و ایالات متحده را قطع کرده است. همچنین در زمینه بازپس‌گیری منابع ملی، مانند طلا، پیشرفت‌هایی حاصل شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به تأسیس یک شرکت معدنی دولتی و افتتاح نخستین پالایشگاه طلای کشور در ماه عقرب (آبان ماه) ۱۴۰۲ (نومبر ۲۰۲۳) اشاره کرد. پیش از این، این ماده معدنی به صورت خام و با قیمت‌های بسیار پائین‌تر صادر می‌شد.

دولت همچنین بر توسعه کشاورزی تمرکز کرده و بیش از ۴۰۰ دستگاه تراکتور، ۲۳۹ دستگاه کولتیواتور، ۷۱۰ دستگاه موتور پمپ و ۷۱۴ دستگاه موتورسیکلت را بین تولیدکنندگان روستائی توزیع کرده است. دسترسی به بذره‌های اصلاح‌شده و دیگر نهاده‌های کشاورزی نیز تسهیل شده است. اگرچه آمارها هنوز محتاطانه است، اما تولید محصولات کلیدی مانند بانجان رومی (گوجه‌فرنگی) که از ۳۱۵ هزار تن متریک در سال ۲۰۲۲ به ۳۶۰ هزار تن در سال ۲۰۲۴ رسیده، یا ارزن که از ۹۰۷ هزار تن متریک در سال ۲۰۲۲ به ۱.۱ میلیون تن در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است. همچنین دو کارخانه فرآوری بانجان رومی در کشور تأسیس شده و حتی یک برند تجاری کنسرو بانجان رومی در بازار عرضه شده و دومین کارخانه فرآوری پنبه نیز راه‌اندازی شده است.



ساخت جاده‌ها سرعت گرفته، جاده‌های موجود تعریض و جاده‌های جدید احداث شده‌اند و تا حد امکان از مهندسان بورکینافاسویی در اجرای پروژه‌ها بهره گرفته شده است. همچنین فرودگاه جدید اوآگادوگو-دونسین با ظرفیت تخمینی یک میلیون مسافر در سال در حال ساخت است. افزون بر این، حقوق وزراء و نمایندگان مجلس ۳۰ درصد کاهش و حقوق کارمندان دولت ۵۰ درصد افزایش یافته است.

دولت او در سیاست خارجی گام‌های جسورانه‌ای برداشته است، که در چارچوب تشدید کنونی تناقضات در ژئوپلیتیک جهانی صورت گرفته است. با هدف قطع کامل سلطه نواستعماری فرانسه، در سال ۲۰۲۳ نیروهای فرانسوی، از جمله نیروهای شرکت‌کننده در عملیات سابر علیه تروریسم، را از کشور اخراج کرد.

پس از خروج از جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا، به همراه نیجر و مالی، «ائتلاف کشورهای ساحل» را بنیان نهاد که شامل بندهای متعددی برای مشارکت در توسعه و دفاع متقابل است. در یک فاصله گرفتن آشکار از غرب، روابط خود را با روسیه در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی، از جمله توافق برای ساخت یک نیروگاه هسته‌ای در کشور، و با چین، کشوری که سرمایه‌گذاری‌های متعددی را در خاک بورکینافاسو پیش می‌برد، تقویت کرده است. اگرچه برخی از این دستاوردها ممکن است تا حدی بزرگنمایی شده باشند، اما واقعیت این است که در بورکینافاسو یک تحول عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با گام‌های ملموسی که منجر به بهبود کیفیت زندگی مردم و توزیع عادلانه‌تر ثروت ملی می‌شود، در حال پیشرفت است. بی‌گمان، دشواری‌های چنین برنامه‌ای بسیار عظیم است.

در ۱۳ ماه حمل (فروردین) ۱۴۰۴ (۳ اپریل ۲۰۲۵)، در جلسه استماع نیروهای مسلح سنا، جنرال مایکل لنگلی، فرمانده آفریقام، رژیم بورکینافاسو را متهم کرد که توسط چین تطمیع شده و از «ذخایر طلای خود برای محافظت از رژیم حکومت نظامی» استفاده می‌کند، که می‌تواند راه را برای اقدامات آتی واشنگتن علیه دولت بورکینافاسو هموار سازد.

خطر فوری‌تر در حال حاضر، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، ناشی از افزایش چشمگیر فعالیت گروه‌های جهادی در کشور است.

همانند بسیاری از تحولات انقلابی دیگر در گذشته، آنچه در بورکینافاسو رخ می‌دهد، زیر سایه سکوت و تهمت قدرت‌های بزرگ غربی قرار گرفته است، که بی‌شک آماده‌اند همان راه حلی را که در زمان خود برای سانکارا به کار بردند، برای ابراهیم ترانوره نیز به کار گیرند. شکستن این پرده سکوت، یک وظیفه ابتدائی همبستگی برای همه انقلابیون است. بیایید از سخن گفتن درباره بورکینافاسو و وظیفه سترگ تحولی که مردم آن آغاز کرده‌اند، دست نکشیم. در دورانی که سرمایه‌داری می‌کوشد انقلاب‌ها را به عنوان پدیده‌های از مد افتاده گذشته جلوه دهد، فرآیندهایی مانند این، تداوم اهمیت وظیفه انقلابی را به ما یادآور می‌شوند. بیش از یک قرن بعد، زنجیره امپریالیستی همچنان از ضعیف‌ترین حلقه‌های خود در حال گسستن است.